

ارتش اسرائیل هنوز دلیلی برای حمله خود به این دفاتر اعلام نکرده است. مقامات اسرائیلی از بین بردن وسایل دفتر را تکذیب می کنند و در اطلاعیه ای گفته اند که این حمله "برای حفاظت از شهروندان اسرائیل صورت گرفته است و برای یافتن دو نفر از افراد تحت تعقیب که در ساختمان پنهان شده بودند، دو در شکسته شد."

سعید می گوید: "برای بسیاری از اعضاء، مسافرت به خارج یا مناطقی خاص ممنوع است. به همین دلیل بسیاری از رهبران اتحادیه نمی توانند در کنفرانس های بین المللی شرکت کنند. در حالی که اتحادیه با اکثر اتحادیه ها در دنیا رابطه بسیار نزدیکی دارد و در واقع ما از نزدیک سیاست تنبیه دسته جمعی اسرائیل را حس می کنیم."



### آدم ربایی توسط فتح

یک هفته پس از حمله اسرائیل به دفتر اتحادیه، افراد مسلح و ماسک دار فتح، سعید را که از ۱۵ سال پیش رهبر اتحادیه است از رستورانی در نابلس ربودند. سعید می گوید که این مردان او را تهدید کردند و گفتند که باید از پست خود در اتحادیه استعفا داده و از هر گونه فعالیت در هر ارگان مدنی خودداری کند. او پس از نیم ساعت آزاد شد.

سعید می گوید: "من با رئیس سی جی آی ال (کنفدراسیون عمومی کار در ایتالیا) که یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری در ایتالیا است در رستوران نشسته بودم. ۶ مرد مسلح به ام - ۱۶ و صورت های پوشیده، وارد رستوران شده و به من گفتند که با آنها بروم. اول از من پرسیدند که چرا از حماس دفاع می کنم. من اصلاً نه از حماس و نه از فتح حمایت نمی کنم. فکر می کنم می خواستند بلائی سرم بیاورند."

عبدالله عبدالله، یکی از سیاست مداران فتح می گوید: "این اتفاق واقعا افتاد اما اشتباهی رخ داده بود و بعد ما معذرت خواستیم. وزارت داخله این مسئله را مورد بررسی قرار داده است." او اضافه کرد که با تشکیل دولت موقت، "کل پدیده مردان مسلح در کرانه غربی از بین رفته است." < صفحه ۳۳



سعید می گوید: "آنها از ما خوششان نمی آید. نهایتاً ما مستقل هستیم، آزادانه صحبت می کنیم و برای ما، اسرائیلی ها و یا هیچ گروه دیگری مهم نیستند. آنها از ما به دلیل زبان مورد استفاده مان راضی نیستند."

### مبارزه برای به دست آوردن حقوق

اتحادیه کارگری فلسطین برای بدست آوردن حقوق کارگران در فلسطین مبارزه می کند. این اتحادیه در ۱۹۶۵ تاسیس شد و دفاترش در اقصی نقاط فلسطین از جنین در کرانه غربی گرفته تا رفح قرار دارند.

مات اگان، مسئول بین المللی "یونیسون" بزرگترین اتحادیه کارگری انگلیس می گوید: "اعضای اتحادیه ها به دلیل گذشتن از مرز گروه گرایی، به هر دلیل در مناطقی مثل فلسطین شدیداً تحت فشار قرار دارند. آنها برنامه های حماس، فتح، و اسرائیل را همزمان به چالش می طلبند و متأسفانه باید بگویم که علیرغم همدردی اتحادیه های بین المللی، برای رنج های آنان پایانی نمی بینم."

سعید می گوید: "معاون من بعد از آنچه اتفاق افتاد در بیم از دست دادن جان خود می باشد. حماس تا به حال سه چهار بار از او بازجوئی کرده است. نمی دانم می خواستند کتکش بزنند یا او را به قتل برسانند. به او اتهام همکاری با اسرائیل زده اند و گفته اند که او از مخالفین حماس است."

اتحادیه می گوید که حماس از برگرداندن دفاترشان در غزه خودداری کرده و در حال حاضر کلیه فعالیت های اتحادیه به تعلیق درآمده است. سخنگوی حماس حاضر به اظهار نظر در این باره نشد. اما تمیمی گفت که این نوع صحبت ها (اظهارات رهبر اتحادیه) بخشی از "جنگ تبلیغی" میان "اتهام و ضد اتهام که میان فتح و حماس رد و بدل می شود" می باشد.

### فشار اسرائیلی

اتحادیه کارگری فقط از حماس در اخلال در فعالیت های خود نام نمی برد. در ۴ جولای یک واحد ارتش اسرائیل وارد دفتر اتحادیه در رام الله شد. سعید می گوید آنان همه چیز از کامپیوترها گرفته تا میزها و فایل ها را از بین بردند.

عمر خلیفا (english.aljazeera.net)

برگردان: مهرنوش کیان

## اتحادیه کارگری فلسطین

### تحت فشار از همه طرف

کار اتحادیه کارگری با توجه به ۴۷ درصد بیکاری و درآمد سرانه ۲۳ مرتبه کمتر از درآمد سرانه در اسرائیل، به اندازه کافی مشکل و طاقت فرسا است. این وضعیت پس از برسرکار آمدن حماس در نوار غزه، مشکل تر هم شده است. اتحادیه کارگران در غزه و کرانه غربی، هم از طرف حماس و فتح و هم از طرف اسرائیل همواره مورد حمله واقع شده است. اتحادیه می گوید عملیات بر علیه اعضاء آن شامل اقدام به سوء قصد، حمله به منزل و دفتر کار، تیراندازی و پرتاب راکت می باشد.

در ماه ژوئن حماس به دفتر اتحادیه در غزه حمله کرد و از آنها خواست تا مشخص کنند که در دولت تحت کنترل حماس چگونه می خواهند کار کنند. شاهر سعید، رهبر اتحادیه می گوید که اتحادیه از هر گونه مذاکره با حماس خودداری کرد. سعید می گوید که پس از این امتناع، حماس سه بار به جان راسم علی بایاری، معاون رهبر اتحادیه، سوء قصد کرد. یک بار با پرتاب راکت به خانه او در ماه ژانویه و بار دیگر با بمب گذاری در دفتر کار وی در ماه فوریه. سعید که خود با فتح ارتباط داشته است اضافه کرد که در روز سه شنبه حماس دو دفتر دیگر اتحادیه در غزه و خان یونس را اشغال کرده و وسایل موجود در این دفاتر را ضبط کرده است.

اتحادیه این نوع حملات را "تقض صریح آزادی، دموکراسی و حفظ تنوع در صفوف اتحادیه" می داند.

"کارگران فلسطینی نه تنها با اشغال خارجی روبرو هستند بلکه با اشغال داخلی توسط نیروهای نظامی حماس نیز باید بجنگند. آن هم در زمانی که کارگران نیازمند کمک های انسانی، دارویی و پزشکی و حمایت اجتماعی هستند."

دکتر اعظم تمیمی، رئیس انستیتو "اسلام، تفکر سیاسی" که مستقر در لندن است می گوید: "اتحادیه کارگران فلسطین شاخه ای از فتح است. و فتح در کرانه غربی دفاتر حماس را از بین برده است. حالا فتح تلاش می کند که بگوید حماس هم عیناً همین کارها را در غزه انجام داده است. تا آنجا که من می دانم چنین نیست."



## تا بوسه زند بر لب آب ارغوان ...

ثریا علیمحمدی

اتحادیه کارگری فلسطین

تحت فشار از همه طرف

صفحه ۲۲ <

سیاسی شدن

راجا خالدی، رئیس کنفرانس در باره بازرگانی و توسعه برای کمک به مردم فلسطین (برگزار شده از طرف سازمان ملل) می گوید که حملات به اتحادیه کارگران فلسطینی "چندان معمول نیستند ... اما مستقیماً نتیجه هویت سیاسی هر کدام از این سازمان ها می باشد."

دکتر محمد شتابه رئیس مجمع اقتصاد و توسعه فلسطین و یکی از وزاری سابق می گوید: این حملات به این دلیل است که "اتحادیه های کارگری و کلیه سازمان های مدنی کاملاً سیاسی شده اند. شاهر را اعضای فتح در نابلس ربودند و خود او را وابسته به فتح می دانند. بنا بر این موضوع صرفاً فتح بر علیه حماس نیست. مسئله از این چیزها پیچیده تر است."

بسم خوری، عضو دولت خودمختار می گوید: "اینجا به جای این که به مردم وابسته باشند، وابسته به این یا آن حزب هستند. آنها باید نقش خود را در اجتماع ایفا کنند ولی موفق نمی شوند."

آزادی اجتماعی

مسئله حقوق کارگران که از اهداف اصلی اتحادیه کارگران فلسطینی است، همواره در طی چهل سال اشغال تحت الشعاع مسائل ملی دیگر قرار گرفته است.

خلیلی می گوید: "مسئله ملی فلسطین، دیگر مسائل مثل مسئله زنان، طبقات و دیگر مبارزات اجتماعی را همچنان تحت الشعاع قرار خواهد داد. در چنین شرایطی نمی توانید انتظار زیادی داشته باشید."

سعید می گوید: "اتحادیه به من گفته است چون جانم در خطر است از پست خودم استعفا بدهم ولی من ادامه می دهم. می دانم که خطرناک است ولی می خواهم کارم را انجام بدهم."

سعید می گوید که در چهار سال گذشته، اتحادیه که بیشتر به کمک های خارجی از کشورهای مثل عربستان، سوریه و مصر و سازمان های بین المللی مثل صلیب سرخ وابسته است، توانسته به ۲۵۰ هزار فلسطینی در حمایت مالی و یا یافتن کار کمک کند. او می گوید: "ما هنوز ۳۵۰ هزار نفر بیکار داریم که به کمک من نیازمندند. من به مبارزه خود بر علیه فقر در فلسطین ادامه می دهم." □

در خانه محمدرضا جمع شده بودیم به مناسبت سالگرد اعدام همایون (هبت الله معینی چاغروند). روی کتابخانه عکس فریدون، بهروز، توکل و جمشید بود و روی میز، کنار دسته بزرگی از گل های گلایل، عکس همایون با چشمانی خندان به دوستانی که برای گرامیداشت یادش جمع شده بودند لبخند میزد.

برای من یاد همایون در همه جا هست. در سراسر جاده های جنوب و لرستان. در بلندای کوه های زاگرس. در زیتون کارگری و کمپلو. در نورد اهواز و، کارون. در هر فکر نو و صدای آزادیخواهانه ای همایون را می بینم. اما بیش از همه، گل ارغوان یادش را نداعی می کند.

با سهراب و ناصر و فرشته و همایون همخانه بودیم. یک روز دلپذیر بهاری، هر پنج نفرمان از جاده اهواز به سمت خرم آباد می رفتیم. نزدیک جاده ملاوی گل های وحشی در زمینه سبز دشت تا دامنه کوه کشیده شده بود. در کناره رودخانه، میان علف های خودرو، شاخه های پرطراوت گل های ارغوان روی آب افتاده بود.

به همایون گفتم گل های ارغوان را ببین، دارند آب را می بوسند. همایون بلافاصله تعبیر زیبایی ساخت و خواند «تا بوسه زند بر لب آب ارغوان...». بعداً شعری در همین مایه ساخت با چنین مضمونی: «تا بوسه زند بر لب آب ارغوان... / تا کار گردد آزاد...».

همایون چهره ای دلپذیر و نگاهی پر امید داشت. در ته چشمهای سبزش انگار همیشه سئوالی یا حرف جدیدی موج می زد. آزاداندیش بود و همه جانبه. به برابری زن اعتقاد جدی داشت.

زمانی که در خانه کمپلو بودیم برای نظافت خانه و آشپزی تقسیم کار کرده بودیم و هر وقت نوبت همایون می شد با دقت وظایفش را انجام می داد. غذای مخصوصی می پخت از گوشت چرخ کرده و پیاز و سیب زمینی که خیلی سریع تهیه می کرد و اسم آن را به طنز، گذاشته بود «بغرنج» و به شوخی می گفت که هیچکس مثل او نمی تواند چنین غذای خوشمزه و بغرنجی بسازد.

در خانه کمپلو، من و فرشته و سهراب و همایون عضو دائمی بودیم و ناصر هم همیشه حضور داشت. ناصر شیک و مرتب و تمیز و نکته سنج بود، زیاد می خواند و کم می نوشت. ناصر در تقسیم کارهای خانه خیلی فعال نبود در نتیجه ما، به شوخی، اسمش را گذاشته بودیم «خان». برعکس، سهراب در همه کارهای خانه شرکت می کرد اما به خاطر عجول بودن، بیشتر باعث زحمت می شد.

سهراب و ناصر دو کاراکتر متفاوت بودند. یکی پرشتاب و عجول و ریاضت کش و دومی کند اما منظم و دقیق. همایون نه مثل سهراب بود نه مثل ناصر. متعادل بود. در فکر و شیوه زندگی اش هماهنگی موزونی وجود داشت. همیشه، فرشته همسرش و دوستان و اقوامش را برای پوشیدن لباس مرتب و آراسته بودن تشویق می کرد و خودش همواره سر و وضع مرتب داشت و به رغم وظایف سنگین سیاسی - تشکیلاتی، از هنر و ادبیات هم غافل نبود و از هر فرصتی برای شنیدن موسیقی و رفتن به دامن طبیعت استفاده می کرد.

همایون تشنه دانستن بود و دریچه ذهنش به روی هر فکر و ایده جدیدی باز بود. به کار دیگران احترام می گذاشت و در انسان ایجاد انگیزه می کرد. همایون در اهواز روزنامه ای منتشر می کرد به نام «کار جنوب» که همه مطالب آن را خودش می نوشت و فقط بخش کوچکی از اخبار کارگری را من تنظیم می کردم. اما هر وقت در مورد «کار جنوب» صحبتی می شد از من به عنوان همکارش یاد می کرد.

روزی که مهرداد پاکزاد خیر دستگیری همایون را داد، احساس کردم زیر پایم خالی شده است. آخرین دیدارم با همایون در زندان بود. چندتا از دندان ها و کتفش را شکسته بودند. موهایش سفید شده بود اما چشمهای سبزش هنوز می خندید و امید می بخشید.

سال ۶۷ وقتی خبر اعدامش را شنیدم طعم تلخ همه غمهای جهان را در قلبم حس کردم. رفیقی عزیز و دوستی بزرگ را از دست داده بودم. یادش همیشه هست.

۲۸ تیر ۱۳۸۶ / ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۷